



۲۰۱۲/۱۲/۰۳

داکتر عبدالرحمن زمانی

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی:

(قسمت ۳۶)

کامیابی توطئه ها و ماستر پلان انگلیس

یکی از مهمترین توطئه های انگلیس پخش شایعاتی بود که گویا نادانی و اشتباهات غازی امان الله خان در پافشاری بر اصلاحات سبب اغتشاش شد. انگلیس ها از سفر طولانی مدت شاه در اروپا استفاده نموده در حالی که از وی استقبال شاندراری را بعمل می آوردند، کرنیل لارنس را برای سرنگونی سلطه اش به سرحدات افغانستان فرستادند. انگلیس ها در عین حال ادعا میکردند که گویا از امان الله خان به خاطر عصری گرائی و ساختن جامعه مدنی حمایت میکنند، و چون اغتشاشات و سرنگونی رژیم امانی و بقدرت رسیدن رهنزان سبب هرج و مرج حتمی در افغانستان و ناآرامی احتمالی در هندوستان میشود، لذا به ضرر انگلیس ها میباشد.

پندت جواهر لعل نهرو صدراعظم فقید هند در رابطه با شاه امان الله خان، پروسه اصلاحات و سفر اروپایی اش مینویسد که در اوایل سال ۱۹۲۸ امان الله خان و ملکه ثریا افغانستان را برای سفری طولانی در اروپا ترک گفتند. به بسیاری از پایتخت های اروپایی از جمله روم، پاریس، لندن، برلین، مسکو رفتند و در همه جا با استقبال گرم مواجه گشتند. . . اما او مانند یک سیاستمدار عالی نقش خود را به خوبی اجرا میکرد و در هیچ جا هیچ تعهدی به گردن نگرفت. . . مسافرت طولانی امان الله خان توجه فراوانی را به او جلب کرد، اعتبار و حیثیتش زیاد تر شد و اهمیت افغانستان را هم در سراسر جهان بیشتر ساخت، اما در خود افغانستان وضع خیلی خوب نبود. امان الله کار خطرناکی کرده بود که در گرماگرم تغییراتی که در کشور شروع شده بود و روش زنده گی قدیمی را دگرگون می ساخت کشور خود را ترک گفت و به سفر رفت...» (۱)

طراحان پلان های ستراتیژیک انگلستان در تمام دوران امپراتوری شان به افغانستان توجه خاصی داشتند. در قسمت های گذشته مثال های متعددی از علل مخالفت انگلیس ها با غازی امان الله خان ذکر و از توطئه های شان علیه رژیم امانی و شخص امان الله خان پرده برداشته شد. مامورین انگلیسی بمشکل میتوانستند نفرت خود را از امان الله خان اظهار نکنند. یک مثال آن مکتوب جنرال باروز General Barrows بود که امان الله خان را یک شخص نامرغوب با افکار شدید ضد انگلیسی خوانده و گفته بود که او هرآن کشته خواهد شد، و ما برمرگش افسوس نخواهیم کرد. . . در واقع من تعجب خواهم کرد که اگر سوؤ قصد بر جانش صورت نگیرد.

نهرو باز علاوه میکند که «در زمان غیبت امان الله تمام اشخاص وعناصر مرتجعی که با او مخالف بودند به پیش آمدند. انواع توطئه ها و دسیسه ها طرح شد و شایعات فراوان برضد او انتشار یافت. ظاهراً پولهای فراوانی برای تبلیغات بر ضد امان الله خرچ میشد و هیچکس نمیدانست این پولها از کجا می آمد. به نظر میرسد که به بسیاری از ملاها و آخوندها مبالغ هنگفتی به این منظور پرداخت شده بود. . .» نهرو سؤال میکند: «آیا چه کسی این تبلیغات وسیع و پُر خرچ را اداره میکرد؟ افغانها نه پولی برای این کار داشتند و نه این کارها را بلد بودند و نه وسایل مادی مناسبی در اختیار شان بود. در کشورهای خاور میانه و اروپا همه عقیده داشتند که در ماورای تمام این اقدامات، دستگاه پلیس مخفی انگلستان قرار دارد.» (۲)

ماستر پلان انگلیس در افغانستان تنها به از بین بردن و یا تعویض امان الله خان خلاصه نمیشد، ورنه با کناره گیری او از صحنه مشکل حل و نیازی به ادامه بازی خطرناک برای نه ماه دیگر باقی نمی ماند، بازی ای که در آن اقتصاد نیم بند و ابتدائی کشور از بین رفته، سیر انکشاف و پیشرفت مملکت نیم قرن به عقب کشانده شده و افغانستان به صحنه خانه جنگی ها و برادرکشی ها و مصایب گوناگون تبدیل گردید.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

اسناد و شواهد نشان می‌دهند که در پلان انگلیس ها برانگیختن احساسات مردم افغانستان علیه رژیم امانی، ضعیف ساختن رژیم و ایجاد هرج و مرج در کشور، آماده ساختن زمینه تقاضا و دعوت به نامزد مورد نظر انگلیس ها و در نهایت روی کار آوردن رژیمی که حافظ منافع انگلیس ها در منطقه باشد، شامل بود.

جلوس مجدد غازی امان الله خان و پلان گرفتن دوباره کابل

پس از اعاده سلطنت غازی امان الله خان در قندهار و استقبال مردم و تشکیلات جدید دوائر دولتی و بحرکت در آمدن چرخ های حکومت، پلان حربی جدید طرح گردید. درین پلان هرات بحیث مرکز اداره و قندهار و مزار شریف بحیث مراکز عملیاتی در نظر گرفته شده بودند. مطابق این پلان در نظر بود، دو قوه تهاجمی همزمان از هردو مرکز عملیاتی بطرف کابل حرکت و امور سوق و اداره از هرات تحت نظر شخص شاه صورت گیرد. در عین زمان فیصله فیصلج بعمل آمد که قندهار از لحاظ موقعیت خاص ارتباطی و سوق الجیشی آن بحیث مرکز دوم شناخته شود.

علاوئاً تصمیم گرفته شد که شجاع الدوله سفیر لندن، وزیر امنیه و رئیس تنظیمیه سابق هرات نیز بلا فاصله به هرات آمده عجالئاً زمام امور آن ولایت را به عوض محمد ابراهیم خان بدست بگیرد. در باب ولایات شرقی و جنوبی تا معلوم شدن نتیجه اقدامات علی احمد خان والی، چنین تجویز به عمل آمد تا به جزء ارسال فرامین بنام حکام اعلی و قوماندان های عسکری ولایات مذکور جهت آمادگی های آینده اقدام مستقیم بعمل نیاید و نیز تصمیم گرفته شد که امین جان برادر خورد امان الله خان با یک هیأت به هزاره جات اعزام و از مردم هزاره که به امان الله خان نسبت به رفتار عادلانه او مخصوصاً لغو بردگی خوشبین بودند، دعوت بعمل آید تا در موقع حمله بر کابل، از معاونت دریغ نورزند. از طرف دیگر فیصله بعمل آمد که غلام صدیق خان وزیر خارجه برای تنظیم و براه انداختن این پلان و قایم کردن تماس و جلب همکاری کشورهای دوست، مخصوصاً به مقصد بدست آوردن اسلحه و جباخانه و دیگر لوازم حربی از هر منبعی که ممکن باشد، به خارج اعزام گردد و توسط سفارت خانه های افغانی برای انجام این مقصد بحیث سفیر فوق العاده سیار اجرای وظیفه نماید، چنانچه بلافاصله بعد از تثبیت این پلان، غلام صدیق خان چرخ با هدایت لازمه از طریق هرات جانب مسکو حرکت کرد. (۳)

چون انگلیس ها غازی امان الله خان را تعقیب می‌کردند، بتاریخ ۱۷ جنوری به قونسل انگلیس در مشهد هدایت داده شد که نسبت اهمیت بسیار زیاد هرات برای بدست آوردن اطلاعات ترتیبات خاصی را اتخاذ کند. (۴)

غازی امان الله خان در اعلامیه های که به ولایات جنوبی و مشرقی فرستاد، از جلوس دوباره خویش طلاع داده نوشت که :

«به فرزندان عزیزم، باشندگان ولایت جنوبی!

چنانیکه میدانید یک سلسله ناآرامی های داخلی در ولایت مشرقی آغاز گردید و این ناآرامی ها هنوز دوام داشت که ناگهان گروه دیگری از طرف شمال بر کابل حمله ور شدند. باید گفت که چنین دسایس و اختلافات فقط بر تدبیر و پلانهای که از طرف دشمنان ترقی افغانستان شده است، متکی میباشد. آنها سوالاتی را در دهان مردم بی اطلاع گذاشته اند و ایرادات بی اساسی را به شخص من وارد کرده اند. من پدران به آنها مشورت دادم که از این کار دست بکشند، ولی از آنجائیکه آتش فتنه و بی اطلاعی آنها لحظه به لحظه افزایش مییافت، من نخواستم جنگ و جدال بنام من در افغانستان ادامه پیدا کند، مسلمانهای کشور کشته شوند و ملت نابود گردد و یا نیروهای که برای دفاع وطن در برابر دشمن خارجی تهیه شده اند به جنگ داخلی به مصرف برسند. حتی به این دلیل که من به زعامت شخصی خویش اهمیت زیادی قائل نیستم (زیرا من این بار گران را تنها به خاطر سعادت وطن و ترقی ملت به دوش گرفته بودم)، تصمیم گرفتم از برادر بزرگترم معین السلطنه خواهش کنم تا تاج و تخت پادشاهی را به خاطر صلح و امنیت عمومی در افغانستان قبول نماید. هرچند معین السلطنه در اول نپذیرفت ولی وقتی من پافشاری نمودم، به خاطر من قبول کرد. مردم شهر از وی اطاعت کردند و من هم به امید اینکه عزیمت من از کابل به جنگ داخلی و فتنه های ناشی از آن خاتمه خواهد داد، تصمیم گرفتم به قندهار بروم که چنین هم کردم. بمجرد رسیدنم به آنجا موضوع را به اهالی قندهار بیان داشتم ولی مردم این شهر که از هر گروه و فرقه نمایندگی میکردند، با صدای بلند گریستند و گفتند که تنها مرا به صفت پادشاه خویش میپذیرند. من کوشش آخری ام را نمودم تا مزیت این پیشنهاد را به آنها بیان نمایم ولی آنها قبول نکردند.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

ما با بی صبری منتظر خبر از اوضاع کابل بودیم ، ولی چنانیکه از انکشافات اوضاع کابل معلوم میشود، این تخریبکاری منحصر به مجموعه ای از ایرادات بمقابل شخص من نبوده؛ بلکه بنا بر دسایس، دشمنانی بود که تمایل شدید تری برای از بین بردن وحدت مردم نیز داشتند. نتیجه هم این شد که این غائله خاموش نگردید و چون آشوب طلبان به قوای جنگی نیز دسترسی داشتند، معین السلطنه را قبول نکردند؛ چنانچه معین السلطنه نیز به قندهار آمد و مجدداً مباحثاتی به همه مردم قندهار صورت گرفت. معین السلطنه با حضور داشت همه مردم اظهار داشت که میخواهد از تاج و تخت افغانستان کنار برود و گفت: "من اساساً خواهش سلطنت را نداشتم و اکنون هم ندارم و استعفاء میکنم". همانا همه مردم قندهار متفقاً نزد من آمدند و گفتند من نباید تسلیم شوم و سلطنت شاهی مسلمانهای افغانستان را تا مادامیکه یک فرد آنها در قید حیات باشد، از دست بدهم. آنها گفتند، احساس وطن دوستی، غیرت و افغانیت آنها ابداً به ایشان اجازه نخواهد داد که به اداره کسی مانند بچه سقاء که عمرش را به تجاوز به مال و دارائی مردم به صفت یک قاتل سپری کرده است و یا کسی که حتی افغان نیست، موافقت کنند. آنها نمیتوانند قبول نمایند که چنین شخصی پادشاه آنها باشد. مردم قطنغن، مزار، میمنه، هرات، فراه و هزاره جات عین نظریات مردم قندهار را دارند. بنابراین من بخاطر خواهشات ملت عزیزم و همچنان برای اینکه کشورم را از ملعبه شدن به دست خارجی ها نجات بخشم، مجدداً سلطنت افغانستان را پذیرفتم.

موضوع به وسیله این فرمان به اطلاع فرزندان عزیزم ساکنین ولایت جنوبی رسانیده شد. اطمینان دارم که غیرت و احساسات عالی افغانی شما بهیچوجه قبول نخواهد کرد که یک فرد بی شخصیتی که کدام وجهه و موقعیتی در بین ملت ندارد، سلطنت افغانستان را غصب نموده کشور عزیز و ملت غیور ما را ملعبه تمایلات شخصی خویش سازد. احتمالاً شما با پاره از عداوتها و یا اختلافات فامیلی با یکدیگر مواجه خواهید بود، ولی باید بدانید که امروز یک معضله بزرگ ملی در کشور به ظهور رسیده و شما باید بخاطر بهبودی کار دولت و کشور با هم متحد بمانید.

در خاتمه به درگاره خداوند (ج) دعا میکنم و از وی یاری می طلبم که دشمنان ما موفق نگردند. از شما میخواهم که نظم و امنیت را در سرزمین های خویش حفظ و رعایت کنید. امان الله «(۵)



غازی امان الله خان در بین جمعیت مردم در منزل باغ قندهار

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلینکی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

سفیر انگلیس در کابل بتاريخ ۲۳ جنوری ۱۹۲۹ به لندن اطلاع داد که یک نقل فتوای مؤرخ ۱۸ جنوری ۱۹۲۹ را بدست آورده است که در آن به امضای تقریباً تمام افراد برجسته کابل (که واضحاً معلوم میشود تحت فشار گرفته شده است) و در آن حیات الله خان برادر امان الله خان نیز شامل میباشد، به اساس ۱۹ دلیل مذهبی، ضرورت خلع امان الله خان از سلطنت توضیح داده شده است. شادروان غبارمیگوید که در این فتوا دلیل کفر شاه امان الله مواد ذیل بود: سلام شفاهی را منع و سلام اشاره را مروج ساخته، عوض دستار، کلاه مقرر کرده، دریشی را عوض لباس قدیم (پیرهن و تنبان) معین نموده، ریش تراشی را رواج داده، مکاتب زنانه تاسیس کرده، برقع را برانداخته، متعلمات در خارج فرستاده، با علمای دین مخالفت داشته، محصلین در مکاتب انگلیسی تحصیل میکردند، سنه شمسی را به جای سنه قمری تعیین کرده، تاریخ و سنه انگلیسی را اعلان کرده، رخصتی جمعه را به یکشنبه تبدیل کرده، معاش ملا امامان و مودنیا را موقوف کرده، حضرات مجددی (محمدصادق مجددی و محمدمعصوم مجددی پدر صبغت الله مجددی) را محبوس و قاضی عبدالرحمن خان ملا امام حضرت صاحب را اعدام نموده، امر معروف ملاها را منع کرده، بت پرستی و شراب خواری را ترویج نموده، ملا عبدالله و علماء و اکابر جنوبی (شورشیان پکتیا) را اعدام کرده، پس اعمال او (امان الله خان) خلاف شرع بوده است.

غبار می افزاید که در میان هفتاد و چند نفری که این فتوا را امضاء کرده بودند، تنها عبدالهادی داوی این جمله را در پای امضای خود علاوه کرد که «جزئیات مسایل را علماء میدانند.» (۶)

سفیر در تلگرام ۲۵ جنوری خود به وزارت خارجه اش نوشت که «نظر به اطلاع قونسل قندهار، امان الله خان دیروز در مجمع عام گرفتن دوباره لقب پادشاه افغانستان را اعلام کرده است. من سفارش میکنم که این تلاش بیهوده را نادیده بگیرید. گفته میشود که قندهار پایتخت جدید خواهد بود.» (۷)

همفریز به لندن نوشت که نادرخان و برادرانش هاشم خان و شاه ولی خان با امان الله خان خصومت شخصی دارند. آمدن هر یک یا همه این سرداران در کشور سبب پایداری و وحدت خواهد شد، زیرا آنها نتنها دارای بهترین بلکه صادق ترین مغزها نیز میباشند. (۸)

روز بعد محمدنادرخان با جریده تایمز لندن مصاحبه نمود. او درین مصاحبه ضمن اعلام اینکه خودش آرزوی سلطنت افغانستان را ندارد، علاقه اش را برای برقراری مجدد شرایط سیاسی صلح آمیز و همکاری با حکومت بریتانیا، که او کمکش را برای نگهداشتن افغانستان بحیث یک کشور حایل ضروری میدانند، نشان داد. نادرخان راجع به خانواده اش در کابل تشویش داشت و باوجود خرابی حالت صحتی اش بزودی به افغانستان خواهد رفت. (۹)

انگلیس ها درحالی که اسلحه و مهمات خریداری شده دولت امانی را در بندر کراچی توقیف نمودند، به نادرخان که مدعی تاج و تخت افغانستان و رقیب غازی امان الله خان بود اجازه دادند با ویژه دیپلماتیک برای خود و برادرانش محمد هاشم خان و شاه ولی خان به قصد رفتن به افغانستان به هند بریتانوی بیایند.

در همین وقت افغانها در پشاور با اعضای جنبش خلافت در تماس بوده و علیه حکومت هند بریتانوی به نفع امان الله خان تبلیغ میکردند. یک رساله هم از طرف آنها تحت عنوان «فتوای شرعی راجع به امان الله خان» بنشر رسیده، که امان الله خان را یک مسلمان واقعی ثابت ساخته و حبیب الله کلکانی را رهنمی که سرش قابل قلم کردن است، خوانده بود. جرگه ای که به طرفداری امان الله خان توسط قوم اورکزی در نظر گرفته شده بود، نسبت خرابی هوا به تعویق افتاد. در جرگه آفریدی ها بیشتر راجع به اختلافات شان با شینواری ها صحبت شد، و چند صد نفر وزیری هم به خوست رفته و محسودی هائیکه با موسی خان به ارگون رفته بودند، در حال برگشتن بودند. (۱۰)

باگرفتن اطلاع فعالیت های حامیان غازی امان الله خان، سفیر انگلیس در کابل از کمشنر در پشاور به شدت خواست تا این افغانها را که با جنبش خلافت مشغول تبلیغات برای امان الله خان هستند، بدون هیچ معطلی از هند بریتانوی به تورخم اخراج کنند. (۱۱)

(ادامه دارد)

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

یادداشت ها و مأخذ:

۱. نگاهی به تاریخ جهان، صفحات ۱۰۵ - ۲۰۴، به حواله ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان. اثر پیکار پامیر.
۲. همانجا.
۳. رشتیا، سید قاسم (۱۳۷۸)، نادر چگونه به پادشاهی رسید؟ صفحات ۳۷ - ۳۹.
۴. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۱۷ مؤرخ ۱۷ جنوری ۱۹۲۹ به قونسل انگلیس در مشهد.
۵. اعلامیه ششم دلو، ۱۲۰۷ (مطابق به ۲۶ جنوری ۱۹۲۹ میلادی) خطاب به باشندگان ولایت جنوبی (بحواله سنزل نوید).
۶. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، افغانستان در مسیر تاریخ (جلد اول)، ص ۸۲۷.
۷. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۰۱ مؤرخ ۲۵ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.
۸. اسناد محرمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۹۳ مؤرخ ۲۴ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلستان در کابل.
۹. همانجا، تلگرام شماره ۳۱۸ مؤرخ ۲۶ جنوری وزیر خارجه دولت برای امور هند.
۱۰. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۹۷ مؤرخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
۱۱. همانجا، تلگرام شماره ۱۱۹ مؤرخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ